

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

آموزش تحلیل سیاسی / توصیه به دعای هفتم صحیفه سجادیه

رهبر انقلاب در مراسم روز درختکاری ضمن توصیه همگان به عمل به توصیه‌ها و دستورالعمل‌های مسئولان و متخصصان برای پیشگیری از شیوع ویروس کرونا، انجام این توصیه‌ها را مصداق عمل حسنه دانستند. همچنین ایشان در ادامه مردم را به توسل و توجه به پروردگار فراخواندند و گفتند: «من توصیه میکنم دعای هفتم صحیفه‌ی سجادیه را که در مفاتیح هم هست این دعا: يَا مَنْ تُحَلُّ بِهٖ عَقْدُ الْمَكَارِهٖ وَ يَا مَنْ يُفْتَأُ بِهٖ حَدُّ الشَّدَائِدِ؛ این دعا دعای خیلی خوبی است، خوش مضمونی است، با توجه به معنا این دعا را بخوانند و با این الفاظ زیبا از خدای متعال بخواهند.»

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۸۸ / چهارشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۹۸

تخاصم سیاسی - روانی دشمن را پاسخ دهید

جوان: ویروس کرونا با وجود هشدارها به سرعت مرزهای کشور چین را درنوردید و تاکنون مهمان ده‌ها کشور از جمله ایران عزیز ما شده و تعداد زیادی از هموطنان ما را آلوده و موجب مرگ ده‌ها نفر شده و تقریباً تمام سرزمین ایران اسلامی را درگیر کرده است. اما در همین اوضاع و شرایط شاهد کینه‌توزی و غرض‌ورزی بدون مرز و بی‌حساب و کتاب برخی تریبون‌ها و رسانه‌های آلوده به ویروس خیانت یا حماقت هستیم که همزبان با دشمنان قسم‌خورده مردم و کشورمان، به تولید و انتشار شایعه، سیاه‌نمایی و ناامن‌سازی روانی در جامعه و حتی متهم‌سازی کشور در خارج از مرزها رو آورده‌اند. مهم‌ترین محورهای القایی این تخاصم سیاسی-روانی عبارتند از: ۱- بی‌پروایی نظام جمهوری اسلامی ایران در ادامه تعاملات و مناسبات تجاری و گردشگری با کشور چین در پیوند با ملاحظات سیاسی که موجب ورود ویروس کرونا به ایران شده است. ۲- برخورد سیاسی مسئولان کشور با مسئله کرونا. ۳- کوتاهی و تقصیر مسئولان نظام در پیشگیری، مهار و مقابله با ویروس کرونا و درمان بیماران آن. گرچه القائات فوق، عمدتاً با هدف برانگیختن مردم علیه نظام و مسئولان و نوعی تسویه حساب سیاسی می‌باشد، اما پیامدهای ضمنی و ضدملی دیگری دارد که بعید است از چشم القاگران دورمانده باشد.

پیامدهای خطرناکی چون: ۱- ایجاد تشویش، وحشت و به‌هم ریختن آرامش روانی جامعه در داخل و ۲- لطمه به حیثیت و اعتبار کشور در خارج و مختل‌سازی مناسبات اقتصادی و تجاری با سایر کشورها. پیامدهایی که نه تنها با منافع ملی کشورمان مغایرت دارد، بلکه به آسیب‌پذیری بیشتر مردم در برابر ویروس کرونا نیز کمک می‌کند. به علاوه ظلمی آشکار به مجموعه‌ای از خدمتگزاران در حوزه‌های اطلاع‌رسانی و بهداشت و درمان است که با تلاش شبانه روزی و اقداماتی جهادی و ایثارگرانه، خود را وقف کمک به مردم و مقابله با این تهدید ملی کرده‌اند؛ بنابراین خط القایی فوق که بوی خیانت می‌دهد گرچه در پیوند با کینه‌توزی و غرض‌ورزی، بعید است اصلاح شود، اما انتظار می‌رود از سوی تریبون‌ها و رسانه‌های منصف و همراه مردم به صورت منطقی پاسخ داده شود. واقعیت‌های زیر در پاسخ به آن خط القایی قابل توجه می‌باشد: ۱- صحت اخبار مربوط به ویروس کرونا و تلفات ناشی از آن مورد تأیید مراجع جهانی نیز بوده و هیچ‌گاه مخفی کاری از سوی هیچ مسئولی در دستور کار نبوده است. ۲- برای مهار و مقابله با این پدیده تمامی دستگاه‌ها و مراکز مسئول بسیج شده و برای پیشگیری و مقابله از هیچ اقدامی دریغ نشده است. ۳- آلودگی بسیاری از کشورهای منطقه و بالاتر از

آن اروپا، نشان می‌دهد انتقال این ویروس فراتر از هر ملاحظه سیاسی و تجاری است و هیچ مرز جغرافیایی و سیاسی نمی‌توانسته مانع آن باشد. ۴- خوشبختانه در کشورمان ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مناسب بهداشتی و درمانی برای مهار و مقابله وجود داشته و پس از عبور از شوک اولیه، مقدمات پاسخگویی به نیازهای بهداشتی و درمانی به سرعت در حال گسترش است. جلوه‌های زیبا و ستودنی وظیفه‌شناسی، فداکاری و ایثار جامعه پزشکی و پرستاری در کار جهادی و شبانه‌روزی آنان در مراکز درمانی و همچنین توزیع رایگان اقلام بهداشتی از سوی افراد و مراکز مختلف را هم باید دید و یادآور شد که جلوه‌های عظمت ملت بزرگ ایران به حساب می‌آید. این جلوه‌ها باید برجسته شود تا عظمت ملت شریف ما در سایر کشورها و جوامع دیده شده و کشورمان مورد تعظیم قرار گیرد. آخر اینکه آنچه مسلم است، در آرامش و نشاط و اطمینان و امید، نیازهای بدیهی مردم عزیزمان برای عبور از این وضعیت خطیر، اما کوتاه به حساب می‌آیند که انتظار می‌رود توسط دوستان و دوستداران واقعی آن‌ها تقویت شود و این شاخصه‌ای گویا و محکم برای شناخت دوست و دشمن در شرایط خطر و آزمون به حساب می‌آید.

بغداد - ادلب ایستگاه خطوط موازی

کیهان: عراق و سوریه در روزهای گذشته شاهد دو تحول سیاسی و نظامی بودند. شکل‌گیری «دولت جدید» در عراق با مشکل مواجه شد و «محمد توفیق علاوی» پس از هفته‌ها گفت‌وگو بین جناح‌های مختلف عراق از پذیرش مسئولیت کابینه «انصراف» داد و شرایط پیچیده‌تر شد. در سوریه، عملیات نظامی ارتش برای آزادسازی مناطق غرب استان حلب و استان ادلب ادامه پیدا کرد و به آزادسازی چند شهر و ده‌ها روستا منجر شد. اما همزمان ارتش ترکیه از لاک خود در ادلب خارج شد و به چند مقر نظامی متعلق به ارتش سوریه، ایران و حزب‌الله حمله کرد و در عین حال سعی نمود با یارگیری از قدرت‌های غربی روند آزادسازی مناطق باقی‌مانده در تصرف گروه‌های تکفیری-تروریستی را متوقف کند که موفقیتی نداشت، در خصوص این دو تحول گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱- تشکیل دولت جدید در عراق تحت تأثیر خودمحموری «محمد توفیق علاوی» به تأخیر افتاد. او اصرار داشت بدون توجه به مجلس و فراکسیون‌های آن کابینه را تشکیل دهد و علی‌رغم آنکه گروه‌های پارلمانی لیست صد نفره‌ای را آماده کرده بودند تا او از میان آن ۲۲ نفر را انتخاب و به پارلمان معرفی نماید، زیر بار نرفت و از آنان پشتیبانی بی‌قید و شرط از کابینه منتخب خود را مطالبه کرد و طبیعی بود که با مقاومت آنان مواجه شود. تماس‌های علاوی با مقامات آمریکایی و آنچه بین آنان به بیرون درز کرد، بیانگر آن بود که علاوی در یک دستور کار به ایفای نقش می‌پردازد و شکست او در تشکیل کابینه نشان داد، توافق سفیر آمریکا در عراق و علاوی، قادر به شکل‌دهی به روند جدید نیست.

آنچه علاوی دنبال می‌کرد سبب شکاف‌های بزرگی شد. کردهای عراق که نزدیک به ۵۵ کرسی پارلمان را در اختیار دارند و براساس توافقات قبلی می‌توانند سه پست وزارتی از ۲۲ پست هم در کابینه داشته باشند، با هدف دستیابی به سهم جدید، در به بن‌بست رسیدن علاوی کمک کردند.

براساس آنچه گفته شد، بن‌بست فعلی عراق در انتخاب نخست‌وزیر و کابینه، نیازمند توافق اساسی میان اضلاع مختلف قدرت در عراق است و البته بیش از همه به وحدت نظر اطراف شیعی - که «بیت شیعه» خوانده می‌شود- وابسته است. تجربه محمد توفیق علاوی بیانگر آن است که نه دخالت آمریکا... و نه تکیه صرف بر غیرحزبی بودن وزرا می‌تواند موجب شکل‌گیری دولت جدید و در نتیجه انتخابات جدید باشد.

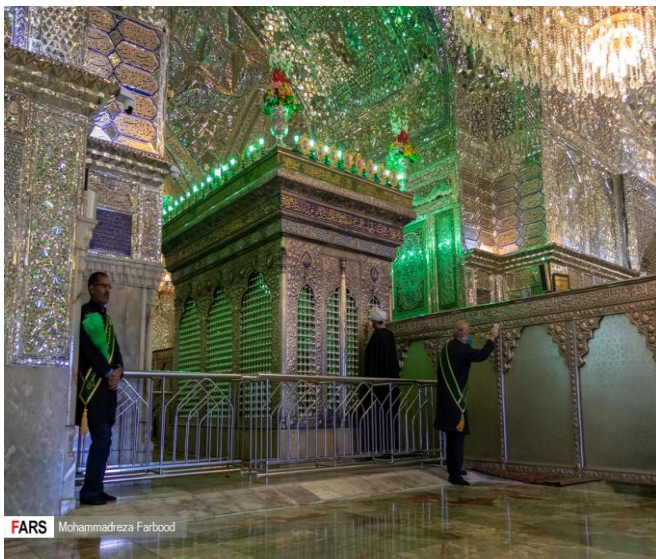
۲- اقدام ترکیه در هدف قراردادن نیروهای ارتش سوریه و یک مقر ایرانی و یک مقر متعلق به حزب الله لبنان که به شهادت تعدادی از رزمندگان اسلام منجر شد، بیش از همه، اهداف ترکیه را در معرض آسیب قرار می‌دهد چرا که اردوغان نه می‌تواند روی حمایت عملی اروپا -ناتو- و آمریکا حساب باز کند و نه چتر حمایتی او بر فراز تروریست‌های تکفیری در ادلب می‌تواند مؤثر واقع شود. اردوغان البته سعی کرد با تهدید به بازکردن مرزهای شمالی ترکیه، ناتو را وادار به کنش نظامی علیه سوریه کند اما فرماندهی ناتو که به خوبی می‌داند قادر به پیاده کردن نیرو در روی زمین سوریه نیست و از بمباران‌های هوایی هم کاری برنمی‌آید و حتی می‌تواند به واکنش مستقیم روسیه و ایران هم منجر شود، به بیش از حمایت رسانه‌ای از ابتکار ترکیه -مبنی بر برقراری آتش‌بس در ادلب- دست نزد. آمریکایی‌ها هم به دلیل وقوف به شرایط شکننده حدود ۱۰۰۰ نیرویی که در بخش‌های شرقی سوریه دارند، به حمایت سیاسی از ارتش ترکیه بسنده کردند.

از سوی دیگر اصولاً ترکیه در این صحنه دچار ضعف حقوقی و اخلاقی است. اردوغان به طور ضمنی گفته است که ماندن نیروهای نظامی ترکیه در خاک سوریه، حق آنکارا است و منظور او مباحثاتی است که پس از پایان جنگ جهانی اول در «لوزان» سوئیس بین فاتحان جنگ پیرامون قلمرو ترکیه جریان داشته و البته به توافق هم منتهی نشده است.

او مدعی است ادلب و بخش‌های دیگری از شمال سوریه متعلق به ترکیه است و این در حالی است که نزدیک به ۱۰۰ سال از جنگ جهانی اول و تقسیم میراث عثمانی گذشته و پس از جنگ جهانی دوم هم تنظیمات جدیدی صورت گرفته است. اردوغان از نظر اخلاقی هم منطق ضعیفی دارد. هیچ قانونی هم وجود ندارد که حقانیت عملیات ارتش سوریه در ادلب و غرب حلب که بخش‌های قطعی خاک سوریه هستند را مورد تردید قرار دهد. اردوغان در جریان آخرین مذاکرات آستانه یعنی حدود یک سال پیش فرصت داشته تا به آزادسازی بدون درگیری ادلب و تحویل آن به دولت سوریه کمک کند و حال علی‌رغم مسئولیتی که برعهده گرفته و در بالاترین سطح پای آن را امضا کرده است، به مقابله با ارتش سوریه و در واقع به دفاع نظامی از تروریست‌های جبهه‌النصره و تحریرالشام روی آورده و توقع دارد با گرفتن آرایش نظامی، سوریه، روسیه و ایران وادار به پذیرش برنامه‌های جاه‌طلبانه او شوند. در این میان روسیه با قاطعیت از حق عملیات ارتش سوریه در غرب حلب و استان ادلب حمایت کرده است. هر چند این حمایت جنبه نظامی نداشته است. ایران نیز اگرچه آسیب‌هایی از ناحیه حمله ارتش ترکیه متحمل شده است، اما از حق ارتش سوریه در مقابله با بقایای تروریست‌های النصره در شمال سوریه حمایت می‌کند. ایران علاقه‌ای به درگیری با ترکیه ندارد و نمی‌خواهد روابط دوستانه با آنکارا را دستخوش تغییر کند و بر این اساس حتی به حمله اخیر ترکیه پاسخ نداده است؛ اما مسلماً ایران در ادامه نمی‌تواند تهدیدات علیه نیروهای خود را نادیده بگیرد. بر این اساس فرماندهی نظامی ایران در سوریه با صدور بیانیه‌ای به فرماندهی ارتش ترکیه در خاک سوریه هشدار داد. ترکیه با پشت کردن به مذاکرات آستانه و سوچی نمی‌تواند ایران، روسیه و سوریه را وادار به پذیرش روند جدید کند. چرا که این روند متضمن ادامه حضور و حیات تروریسم در خاک سوریه است و رها کردن مبارزه با تروریسم در ایستگاه پایانی می‌تواند روند را به ضرر امنیت منطقه برگرداند و بار دیگر سوریه، عراق و لبنان را دستخوش تهدیدات گروه‌های وابسته تکفیری کند و در واقع دستاوردهای حدود ۸ سال مجاهدت سخت را در معرض خطر قرار دهد و این در حالی است که هم‌اینک ارتش سوریه برای آزادسازی مناطق باقی‌مانده نیازی به حمایت هم ندارد و خود می‌تواند تمامیت ارضی سوریه را برگرداند. کما اینکه در هفته‌های اخیر با عملیات مداوم در غرب حلب و استان ادلب به این مهم دست یافته است.

تعمیلی، فرصتی برای ارتقاء رویکرد

فارس: شیوع ویروس کرونا منجر به قرنطینه شدن رسمی یا خودخواسته بسیاری از مردم شده است. اتفاقی که می تواند در این فضا بیفتد، رواج دورکاری است. دورکاری می تواند مزایای متعددی برای طیف وسیعی از مشاغل (و البته بدیهی است که نه همه مشاغل) داشته باشد. در سالهای اخیر، دورکاری با ایجاد بسترهای فناوری اطلاعات و فضای مجازی، و سوق پیدا کردن بسیاری از سامانه‌ها به سمت آنها، و نیز سوق بسیاری از مشاغل به سمت مشاغل دانش بنیان، زمینه فراوانی در کشور پیدا کرده است. رویکرد مدیریت در مراکز کار، عاداتها و عوامل دیگر، به همراه محدودیت مهارتها، اجازه تحقق آن را نداده است. حالا با این فرصت، می توان زمینه های چنین اتفاقی را رقم زد. افراد بالاجبار مجبور می شوند، توانمندیها و مهارتهای لازم را کسب و عملاً تجربه کنند، روشهای کار شکل بگیرد، بسترها ایجاد شود، رویکردهای مدیریتی مراکز کار به سمت رویکردهای نوین سوق پیدا کند. رواج دورکاری در طیف وسیعی از مشاغل می تواند در اقتصاد کشور و خانوار، و نیز رشد همه جانبه، کاهش حمل و نقل، کاهش هزینه ها، کاهش آلودگی و مصرف سوخت و موارد بسیار دیگر، نقش موثری داشته باشد. پدیده دیگر ترویج جلسات مجازی است. بسیاری از جلسات، از جلسات کاری گرفته تا جلسات آموزشی، می تواند به شکل مجازی برگزار شود. بسیاری از جلسات، وقت تلف شده و حاشیه فراوانی دارند. گاه برای برگزاری جلسه ای که زمان مفید واقع شده در آن، فقط ۱۰ دقیقه بوده است، توسط هر یک از حضار حدود ۴ ساعت زمان صرف می شود. این زمان تلف شده را در تعداد حضار ضرب کنید. حتی از نظر محتوی نیز اگر چند بار جلسات خود را به صورت مجازی برگزار کنید، متوجه می شوید که زمان اصلی جلسه و حرفهای اصلی چقدر می تواند در زمان کوتاه تری منتقل شود، و بسیاری از حرفهای زائد و حواشی قابل حذف است. همچنین پس از مدتی به این نتیجه خواهید رسید که درصد بسیاری از جلسات اصولاً زائد است، و فرهنگ رایج ”پیش بردن کار با جلسه“ در کشور ما، فرهنگ مطلوبی نیست؛ و قابل اصلاح است. به جای آن می شود از سازوکارهای متعدد گردش کار و تعامل الکترونیک در کارشناسی و تصمیم گیری استفاده کرد. پدیده دیگر تعلیم و تربیت است. با تعطیل شدن مدارس و دانشگاهها، شاگردان از فراگیری باز می مانند. اما می شود با تدابیر مناسبی، هم دانشجویان و هم شاگردان مدارس را به استفاده مفید از وقت خود در منزل سوق داد، و نه تنها از این مدت استفاده کرد، بلکه بارقه هایی از آموزش اکتشافی و خودانگیخته را که جای آن متاسفانه در مدارس ما خالی است، در شاگردان و دانشجویان بوجود آورد.



FARS Mohammadreza Farbood



FARS Mohammad Soltani